

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال – افغانستان

۰۳ جولای ۲۰۱۱

در افغانستان چه می گذرد؟

(۱۱۵)

سه پولیس در شیندند به قتل رسیدند:

به تاریخ ۲۱ جون ۲۰۱۱ حینیکه قومندان رحمت الله یکی از قومندانان محلی پولیس در شیندند از بازار ولسوالی به سوی زیرکوه شیندند در حرکت بود، در مسیر راه مورد حمله طالبان مسلح قرار گرفت و بعد از زد و خورد مختصر قومندان رحمت الله با دو پولیس به قتل رسیدند و دوپولیس محلی دیگر با یک زن جراحت برداشتند. قاری یوسف احمدی سخنگوی طالبان مسؤولیت این حمله را به دوش گرفت و مدعی شد که این حمله را برای قتل قومندان رحمت الله سازماندهی کرده بودند. اما در این رابطه دولت قادر به گرفتاری کسی نشد.

زیرکوه شیندند از سالهای سال یکی از مناطق نا امن بوده و طالبان همیشه در آن نفوذ داشته اند. اما در یکسال اخیر که نیرو های ایتالیائی در این ولسوالی بسیار فعال اند، ضربات کاری بر پیکر طالبان وارد کرده و حال بیشتر حملات آنها به شکل کمینی می باشد و یا مین گذاری می کنند و دوباره خود را در میان قریه ها پنهان می سازند و جا و پایگاه مشخصی ندارند. مخصوصاً بعد از آنکه در سال ۲۰۰۹ نیرو های ایتالیائی برخورد های فاشیستی با این منطقه داشت و طی یک حمله هوایی ۶۰ تن بی گناه را کشت، ترس از ایتالیائی ها در این جا بسیار زیاد شد و حال طالبان به شکل روشن و معلومدار در این ولسوالی گشت و گذار ندارند و به شکل پتکی حملات شان را سازماندهی می کنند که قتل قومندان رحمت الله یکی از این نوع حملات می باشد.

دریک ماه ۵۰ سرباز اشغالگر به قتل رسیدند:

به تاریخ ۲۷ جون ۴ سرباز ناتو در غرب و جنوب افغانستان به قتل رسیدند. دو سرباز ناتو بعد از آنکه در غرب افغانستان با مین کنترل از راه دور اصابت کردند، کشته شدند و دو سرباز دیگر در جریان درگیری با طالبان به قتل رسیدند. در این حال تعداد تلفات نیروهای ناتو در افغانستان طی ماه جون ۵۰ نفر بوده است که بسیار از آنها

در اثر اصابت با مین جان خود را از دست داده اند. بیشتر این مین ها توسط ایران به طالبان رسانده می شود و بی هیچ رویا رویی از اشغالگران تلفات می گیرند.

مسخره گی های دولت پوشالی:

بعد از آنکه انتخابات مسخره با ر دوم پارلمانی بر گزار شد و پر از رذالت، تقلب و تخلف بود، برخی از کاندیدان شکست خورده اعتراض کرده بودند که بیشتر رأی شان دستخورده و به این خاطر لوی خانونال اداره مستعمراتی اعتراض نمود که برندگان از طریق دویی و سرای شهزاده به ولسی جرگه آمده اند و بر کمیسیون برگزاری به ستره محکمه عرض کرد و بالاخره محکمه اختصاصی از سوی ستره محکمه ترتیب و اعلان شد.

این محکمه اختصاصی تمام رأی را باز حساب کرد (این کار بسیار آسانی بود چون فقط ۱۵ درصد واجدان شرایط در این انتخابات شرکت کرده و دیگران بر آن دست رد گذاشته بودند) به این اساس بعد از ۴ ماه این محکمه اعلان کرد که ۶۲ نفر از وکلای برنده، بازنده اند و عوض آنها باید ۶۲ نفر جدید وارد ولسی جرگه شود، ولسی جرگه را که بسیار درد گرفته بود، لذا لوی خانونال را سلب صلاحیت کرد و ۶ تن از اعضای شورای ستره محکمه به شمول رئیس آن را نیز از کار برکنار کردند. اما نه لوی خانونال و نه شورای ستره محکمه به فیصله های ولسی جرگه کوچکترین توجهی کرده به کار خود ادامه دادند.

حال باید این افراد جدید وارد ولسی جرگه شوند، اما اعضای ولسی جرگه که مثنی جاسوس، ادمکش و وطنفروش اند، میان خود تعهد کرده اند که یک تن از افراد جدید را نمی پذیرند و به این خاطر برای جنگ در ولسی جرگه آمادگی می گیرند. اما در میان ۶۲ نفر نیز که اکثر انسانهای زور مدار و تنظیمی هستند، تلاش دارند تا روانه ولسی جرگه شوند، اما از آن جاییکه قرار است امپریالیست ها در چند ماه آینده کنفرانس «بن دوم» را برگزار کنند و در آن طالبان را در قدرت شریک کنند، از حالا به فکر آوردن طالبان در ولسی جرگه هم می باشند و به این خاطر بهترین راه انحلال این نهاد جاسوس و طویله وطنفروشان می باشد. به این خاطر بسیاری به این باورند که امریکائی ها از طریق سرسپرده شان کرزی این کار را کرده و راه را برای ورود طالبان به ارگانهای سه گانه دولت پوشالی هموار می سازند.

قدیر فطرت موش شد:

قدیر فطرت رئیس بانک مرکزی افغانستان در واشنگتن استعفاء داد. وی پس از آن استعفا داد که از افغانستان گریخت و به واشنگتن رفت. او قبلاً دزدان کابل بانک که در آن شیرخان فرنود، خلیل الله فروزی، محمود کرزی، حاحی حسین برادر فهیم و غفار داوی با ۵ تن دیگر مبلغ ۹۰۰ میلیون دالر این بانک را دزدیده بود افشاء کرد و بعد اعلان کرد که چندین بار تهدید به مرگ شده است. او اول خانواده اش را کشید و بعد پنهانی به واشنگتن گریخت و در همانجا استعفاء داد. حال لوی خانونالی حکمی داده است که او هم شریک این دزدی هاست لذا باید دستگیر شود. اما وی که نزد بادرانش در امریکا رفته به هیچ عنوان کسی او را دستگیر کرده نمی تواند.

حملات پیاپی طالبان:

طالبان به روز ۲۵ جون مینی را در نزدیکی یک آیسکریم فروشی در کندز انفجار دادند که در آن ۹ فرد ملکی به شمول یک پولیس کشته و ۱۸ مرد، یک افسر پولیس و ۵ زن شدیداً زخمی شدند. همچنان به تاریخ ۲۶ حمله ای را

بر کلینیکی در ازره انجام دادند که در اثر آن ۶۰ نفر مریض و داکتر کشته و ۱۲۰ تن دیگر زخمی شدند. این حمله انتحاری بسیار فاشیستی و احمقانه بود که فقط مردم عوام را هدف قرار داد و بعد طالبان به افتخار این مسؤولیت را به عهده گرفت و از کشته ها دروغ های بسیاری گفت. در حالیکه تمام این ۱۸۰ کشته و زخمی مردم عوام بودند. به این سلسله در شام ۲۸ جون ۶ طالب بر هتل کانتیننتال حمله کردند که سه تن ابتداء خود را منفجر ساختند و بعد سه نفر داخل هتل شده تیر اندازی کردند و جنگ تا صبح ادامه داشت که بالاخره ده تن به شمول یک پولیس کشته شدند و ۶ نفر نیز به قتل رسیدند. این حمله در حالی صورت گرفت که در کانتیننتال عروسی هم جریان داشت.

حملات پاکستان بر خاک افغانستان:

پاکستان که یکی از عوامل و مزدوران مهم امپریالیزم امریکا در این منطقه است، در سال های اخیر دوشاودش امریکا و انگلیس در افغانستان مداخله کرده است و برای رسیدن به اهدافش با این مداخلاتش تلاش داشته است. مهمترین هدفی که پاکستان در افغانستان داشته، شناسائی بار دیگر خط دیورند از سوی دولت افغانستان بوده است. پاکستان به این خاطر در امور افغانستان مداخله می کند و به هر طریقی می خواهد تا افغانستان را زیر فشار بگذارد که بالاخره بگوید، حاضر به شناسائی رسمی این خط فرضی می باشد، چیزی که دولت پاکستان همیشه از آن دلتنگ بوده و اضطراب داشته است. برای شناسائی چنین رسمیتی پاکستان در سالهای اخیر تلاش های بسیاری کرده است. یک بار با پیشنهاد مین گذاری بر مرز و بار دیگر با کاشتن سیم خاردار بر مرز خواسته است تا به این هدفش برسد، اما هر دو بار تیرش به خاک خورده است.

پاکستانی های مکار در زمان امارت طالبان به خاطری نتوانستند به این هدف نایل آید که با تمام تلاش های او نه سازمان ملل، نه نهاد های معتبر دیگر بین المللی و نه کشور های دنیا آن امارت را به رسمیت نشناختند و به این خاطر به رسمیت شناخته شدن این خط توسط آنان چندان جدی بوده نمی توانست. با اینکه پاکستان فکر نمی کرد که به این زودی امارت طالبان از سوی امریکائی ها سقوط داده شود و خود به این گونه در خدمت تجاوز بار دیگر امپریالیزم بر خاک افغانستان قرار گیرد، مطمئناً به دنبال فرصت مناسبی بوده است.

اینک پاکستان بدون این که توضیحی بدهد از دوهفته به این سو راکت باری بر ولسوالی های مرزی در خاک افغانستان را شروع کرده که تا حال ۵۲۷ موشک بر خاک افغانستان شلیک کرده اند. اما از سه شب به این سو از سوی نیرو های افغان نیز جواب داده شده است. تا حال به وسیله این موشکها ۳۵ نفر افغان به قتل رسیده که در میان آنها ۴ کودک نیز می باشد و ۳۷ تن دیگر زخمی شده اند و ۱۳۰ خانواده بیجا گردیده است.

این حملات بر ولسوالی های نیشگام، مروره، دانگام و ناری در ولایت کنر، گوشته در ولایت ننگرهار و برمل در ولایت پکتیکا شلیک شده است. این حملات به گونه ای صورت می گیرد که در جلسه تهران میان کرزی و زرداری، زرداری اظهار بی خبری کرده است. اما این تصمیم معمائی، باید از سوی اردوی پاکستان گرفته شده باشد. زیرا در این روز ها دولت مزدور و پوشالی افغانستان ظاهراً چنان درگیرکشمش های درونی خود می باشد که معلوم نیست چه کسی مقام اصلی و رسمی و چه کسانی خود ساخته و جعلی می باشند (در حالیکه در واقعیت تمام این ارگان ها ساخته امپریالیزم و دست ساز می باشند). لذا اردوی پاکستان اقدام به این موشک باری ها کرده است تا ناخن افکار این دولت مزدور را بگیرد و فشار بدهد.

مقامات پاکستانی برای اینکه جنگ مقداری مغلوبه و دوجانبه شود و بالاخره دولت افغانستان مجبور به حل درگیری سرحدی گردد و در آن حدود مرز به طور رسمی تعیین گردد، چنین حملاتی را شروع کرده است. در صورتی که

این جنگ تشدید و گسترده گردد، هیأت هائی از هر دو طرف خواهند نشست و روی آن بحث خواهند کرد و کسانی دیگری به عنوان میانجی وارد این مذاکرات خواهند شد و بالاخره پاکستان حرف تعیین سرحد و امضای مقامات افغان را خواهد گرفت و این هدفیست که سالها پاکستانی ها به دنبال آن بوده و اینک به این شیوه می خواهند که آن را مطرح بسازند. در غیر آن هیچ تمسکی برای این حملات مسکوت دیده نمی شود.

هالبروک فرستاده خاص اوپاما در امور افغانستان و پاکستان چند روز قبل از مرگش اعلان کرد که افغانستان و پاکستان برای از میان بردن اختلافات دیرینه شان باید بکوشند و حال که امریکایی ها جداً به مسئله مصالحه با طالبان می اندیشند و عنان این مصالحه را به دست پاکستان می بینند، هرگز ناراضی نیستند که به گونه ای دولت فعلی افغانستان بر این مرز مهر تأیید بگذارد.

زمانیکه داوود خان در ۱۹۵۶ نعیم خان را برای برقراری روابط خوب با امریکا و خرید سلاح از امریکا به واشنگتن فرستاد، مقامات ارشد امریکائی از جمله جان فوستر دالس وزیر خارجه وقت امریکا به فرستاده داوود خان گفت: تا زمانی که مشکل خود را با پاکستان حل نسازید، ایالات متحده نمی تواند به افغانستان سلاح و مهمات بدهد، تأکید هالبروک قبل از مرگش همان سیاست قدیمی امریکا در مورد افغانستان و پاکستان را باز گو می کرد که بالاخره باید دولت افغانستان خط دیورند را به رسمیت بشناسد. در حالیکه این به رسمی شناسی مربوط به دولت افغانستان نیست. این را باید باشندگان آنسوی دیورند تصمیم بگیرند که با افغانستان یا پاکستان و یا به طور مستقل می خواهند زندگی کنند.

اینکه امریکائی ها باز هم سیاست هالبروک را اعلان خواهند کرد و در این مورد با امریکائی ها هم نظری خواهند داشت، باید در آینده دیده شود. اما تلاش های پاکستان برای تسلط بیشتر بر ایجنسی های هفتگانه که ۲۷ هزار کیلومتر مربع مساحت و پنج میلیون نفر جمعیت دارد به این خاطر هم می باشد. چون تا زمانیکه نیرو های پاکستانی در آنسوی دیورند حاکمیت کامل نداشته باشند، ممکن نیست به رسمیت این خط دست بیاید. حال که در طول سال های اخیر با تمسک به جنگ با طالبان به این هدف نایل آمده و توانسته است که تمام قرار داد ها با قبایل را بشکند و نیرو های اردوی خود در این مناطق جا به جا بسازد (قبلاً فقط نیروی ملیشه و خاصه دار های غیر مسلح در آن مناطق جا به جا بودند و پولیتیکل اجنت با ملک های قدرتمند این مناطق کار ها را پیش می بردند، اما در این سالها تنها در باجور و مومند ایجنسی ۱۲۲ ملک و سرکرده قوم توسط طالبان کشته شدند که خود به خود راه نفوذ بیشتر دولت بر این مناطق هموار گردیده است) و اینک می تواند از این مناطق خاک افغانستان را زیر حمله قرار دهند. به این صورت دولت پاکستان به جایی رسیده که به هر شیوه ای رسمیت خط دیورند را بر افغانها بقبولاند.

از سه روز به اینسو اردوی افغانستان نیز حملات خود را بر پوسته های پاکستانی آغاز کرده است و به زودی اتهامات حملات یکی علیه دیگری آغاز خواهد شد و این حملات به سوی بلوچستان نیز کشانده خواهد شد و ولسوالی هائی در قندهار، هلمند و نیمروز نیز هدف قرار خواهد گرفت و به این صورت پاکستان جنگ اعلام نا شده ای را در سر تا سر سرحد افغانستان خواهد کشاند.

تا حال در این حملات که بعضی از راکت ها در جوار بیس های نیرو های امریکائی اصابت کرده اند (یکی از بیس های بزرگ این نیرو ها در جوار ولسوالی ناری قرار دارد، با اینکه در این ولسوالی چندین راکت شلیک شد و شش تن به قتل رسیدند، اما امریکائی ها زبان باز نکردند و واکنشی نشان ندادند) اما آنها خود را چپ گرفته اند، به این خاطر برخی ها در این برنامه دست امریکائی ها را دخیل می دانند که مطمئناً تا چند هفته دیگر اصل واقعیت خود را نمایان خواهد کرد.